بسمه تعالی

**موضوع**: واجبات رکوع /رکوع /صلاه

فهرست مطالب:

[مساله 4 1](#_Toc134947582)

[ادامه مساله 4 2](#_Toc134947583)

[نقد کلام صاحب عروه و محقق سیستانی 3](#_Toc134947584)

[نقد کلام محقق خوئی 5](#_Toc134947585)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته مساله 4 مطرح شد که در مورد کسی است که از رکوع تام قیامی عاجز است، اگر بعد از رکوع جلوسی، یا رکوع ناقص قیامی و یا رکوع ایمائی، قادر بر رکوع تام قیامی شود، حکمش چیست؟ صاحب عروه فرمودند که در تمام این حالات نمازش صحیح است و محقق خوئی بین فرض ضیق وقت و سعه وقت تفصیل دادند.

# مساله 4

کسی که از رکوع تام قیامی عاجز است، اگر بعد از رکوع جلوسی، یا رکوع ناقص قیامی و یا رکوع ایمائی، قادر بر رکوع تام قیامی شود، حکمش چیست؟

در مورد کسی که بعد از رکوع جلوسی، قادر بر رکوع تام قیامی می شود، اگر ضیق وقت باشد، نمازش صحیح است و اگر بعد رفع راس، رکوع قیامی کند، این رکوع قیامی زیاده در نماز است و مبطل می شود و اگر بخواهد کل نماز را تدارک کند، وقت را درک نمی کند؛ لذا با همان رکوع جلوسی نماز را ادامه دهد.

این شخصی که در ضیق وقت رکوع ایمائی می کند و بعد قادر می شود، اگر بتواند رکوع قیامی کند و نمازش در داخل وقت انجام شود، (فرض کنید که رکعت آخر نماز است و مطمئن است که می تواند در وقت سلام نماز را هم درک کند) معلوم می شود که ضیق وقت نبوده است و این فرد باید رکوع قیامی کند و اینکه گفتیم رکوع ایمائی در ضیق وقت مجزی است و نیاز به تدارک نیست، برای کسی است که اگر تدارک کند، نمی تواند کل نماز را در وقت درک کند. ادله اضطرار می گوید: اگر مضطر هستید که نماز در داخل وقت را به شکل نماز ایستاده ترک کنید، وظیفه شما نماز نشسته است و قاعده من ادرک مجوز تاخیر نمی دهد بلکه می گوید: اگر تاخیر انداختید و یک رکعت را درک کردید مثل این است که کل نماز را در وقت خوانده اید اما دلیل اضطرار می گوید: چهار رکعت به آخر وقت مانده و نمی توانید نماز اختیاری بخوانید پس باید نماز اضطراری بخوانید و قاعده من ادرک مجوز نمی دهد که چون می توانید تا یک رکعت مانده به آخر وقت تاخیر بیندازید، پس صبر کنید!

اما در سعه وقت:

اگر بعد از رکوع جلوسی، قادر بر رکوع قیامی شود، نماز باطل است.

اگر بعد از رکوع ناقص قیامی، قادر بر رکوع تام قیامی بشود، لاتعاد نماز با رکوع ناقص قیامی را تصحیح می کند؛ چون رکوع را بجا آورده است و از روی عذر، شرط شرعی رکوع را ترک کرده است که لاتعاد شامل آن است و فرض این است که حین اخلال ملتفت نبوده است و گمان می کرده که عذرش مستوعب است.

اینکه محقق خوئی فرمودند: این نماز باطل است و باید اعاده کند؛ بخاطر این است که ایشان اخلال به شرایط رکوع را مثل اخلال به ذات رکوع می داند.

اگر رکوع ایمائی کند به اعتقاد اینکه عذرش مستوعب است و سر از رکوع ایمائی بردارد و متمکن از رکوع تام قیامی شود، در همین نماز رکوع تام قیامی می کند و رکوع ایمائی که رکوع عرفی نیست تا زیاده سهوی و عمدی آن مبطل باشد.

# ادامه مساله 4

صاحب عروه در ادامه فرمودند:

«اگر در اثناء رکوع عذرش برطرف بشود، مثلا در اثناء در رکوع جلوسی متوجه می شود که عذرش برطرف شده است، اگر بعد از اتمام ذکر واجب متوجه شود، همین رکوع جلوسی کافی است و فقط برخیزد و قیام کند تا قیام بعد از رکوعش محقق شود و اگر قبل از تمام شدن ذکر واجب، تمکن از رکوع قیامی پیدا کند، با همان حالت انحناء و تقوس، برمی خیزد و هیات رکوع را حفظ می کند و رکوع جلوسی او در ادامه، رکوع قیامی می شود و ذکر را می گوید و احتیاط مستحب این است که نماز را اعاده کند.»[[1]](#footnote-1)

اگر در سعه وقت است، به نظر ما باید نماز اعاده شود؛ چون دلیل رکوع جلوسی یا هر رکوع اضطراری را، منصرف به مضطر در تمام وقت می دانیم نه مضطر در اول وقت.

بله طبق مبنای صاحب عروه و محقق سیستانی، اگر در اول وقت از برطرف شدن عذر، مایوس باشد و اول وقت نماز نشسته بخواند و در اثنا وقت عذرش برطرف بشود، ادله نماز اضطراری شامل این فرد می شود ولو مضطر در تمام وقت نبوده است اما چون از ارتفاع عذر، مایوس بوده است و فکر می کرده است تا آخر وقت عذر باقی است و بنابراین نظر حکم به صحت نماز می شود اما به نظر صحیح که ادله اضطرار منصرف است به کسی که عذرش در تمام وقت ادامه دارد و عذر مستوعب است، کشف می شود که این نماز باطل بوده است.

در ضیق وقت رکوع جلوسی مجزی است و به نظر ما قیام بعد از رکوع جلوسی هم لازم نیست و دلیل بر وجوب قیام بعد از رکوع، برای کسی است که رکوع قیامی کرده است؛ نه کسی که رکوع جلوسی کرده است. «فقم منتصبا» برای کسی است که رکوع قیامی انجام داده است.

«إِذَا قَوِيَ فَلْيَقُمْ»[[2]](#footnote-2) برای جایی است که قیام واجب است و می گوید: اگر می تواند، قیام کند و قیام ترک نشود اما نمی گوید: کجا قیام واجب است. در محل بحث ما وجوب قیام بعد از رکوع جلوسی، مشکوک است.

اما اگر قبل از اتمام ذکر واجب باشد یا اصلا هنوز هیچ ذکری نگفته است که قادر بر رکوع قیامی می شود، صاحب عروه فرمودند: باید با همان حالت رکوع جلوسی، پاهایش را باز کند و خمیدگی کمر را حفظ کند تا به حالت رکوع قیامی برسد و بعد ذکر واجب را بگوید؛ چون ذکر در حال رکوع مامور به واجب است و این فرد دیگر مریض نیست و بقاءا این رکوع جلوسی مامور به او نیست؛ چون مریض رکوعش را نشسته می خواند و این فرد دیگر مریض نیست و واجب است به گونه ای رکوع قیامی کند که زیاده در رکوع هم حاصل نشود. اگر بایستد و به رکوع برود، زیاده رکوع می شود.

محقق خوئی فرمودند: به نظر ما این رکوع قیامی نه تنها مفید نیست؛ چون رکوع نیست، رکوع قیامی رکوع عن قیام است نه رکوع عن جلوس! بلکه اگر رکوع باشد، زیاده در رکوع می شود و دو رکوع حاصل شده است، رکوع جلوسی و رکوع قیامی؛ لذا اگر در ضیق وقت است، در همان حال رکوع جلوسی، ذکر واجب را بگوید و الا در سعه وقت که نماز باطل است.

## نقد کلام صاحب عروه و محقق سیستانی

کلام صاحب عروه و محقق سیستانی که فرمودند: با همین حال انحناء بایستد و رکوع قیامی بشود و بعد ذکر واجب را بگوید، چون این فرد دیگر عذر ندارد و رکوع جلوسی، رکوع مامور به در حق او نیست.

**اولا:** به نظر ما رکوع جلوسی مریض، رکوعی است که در حال احداث آن، مریض باشد؛ یرکع المریض جالسا، یرکع یعنی انحناء الی الرکوع، طاطا راس و این فرد هم موقع احداث مریض بود و این رکوع جلوسی مامور به او بوده است و در همین حالت هم امر به ذکر سجده دارد.

**ثانیا:** اگر بنا باشد که شرط ذکر واجب این باشد که در رکوع مامور به باشد، این فردی که رکوع مامور به او، رکوع جلوسی بود و الان دیگر چون مریض نیست؛ پس بقاءا آن رکوع جلوسی مامور به نیست، دلیل بر وجوب ذکر رکوع بر این فرد چیست؟ فرد سالم در حال رکوع قیامی، ذکر واجب می گوید و مریض هم در حال رکوع جلوسی، ذکر واجب می گوید اما اگر رکوع جلوسی اش بقاءا مامور به نیست، برای چه باید ذکر بگوید؟ بله اگر رکوع جلوسی اش مامور به است، اشکالی نیست که ذکر واجب است. اما فردی که به سجده رفته و کسی به او برخورد کرد و سرش از روی مهر جدا شد و دیگر نمی تواند روی مهر برگردد، دلیل بر اینکه در این حالت باید ذکر بگوید، چیست؟ آن موقعی که بر روی مهر سجده می کرد، ذکر نگفته بود، الان که سرش از روی مهر کنار رفته است، دلیل بر وجوب ذکر در این حالت چیست؟ در مساله ما هم در یک آن رکوع جلوسی کرد که مامور به بود و بعد از حال مریضی به حال سلامت رسید و دیگر آن رکوع جلوسی اش مامور به نیست، به چه دلیل بر او ذکر واجب است؟

**ثالثا:** بر فرض ذکر واجب باشد، به چه دلیل ذکر واجب مقید به این است که در حال رکوع قیامی بگوید؟ اصل برائت می گوید ذکر واجب مقید نیست به اینکه در رکوع قیامی گفته شود؛ چون دلیل بر مامور به بودن رکوع قیامی هم نداریم.

پس نظر صاحب عروه و محقق سیستانی صحیح نیست و اگر بگویید: ذکر واجب است (که این هم محل تامل است)، نهایت این است که مخیر است بین اینکه رکوع جلوسی را ادامه دهد و ذکر بگوید (و اتفاقا ما قائلیم که این رکوع جلوسی مامور به است و احتیاط این است که در حال رکوع جلوسی ذکر بگوید) یا در حال رکوع قیامی ذکر بگوید.

اگر می خواهد احتیاط کند باید در حال رکوع جلوسی ذکر را بگوید و با همان حال تقوس به رکوع قیامی بیاید و ذکر را تکرار کند، همان نظری که فقیه بزرگ شیخ محمدرضا آل یاسین فرمودند ولی از نظر صناعت می تواند در همان حال رکوع جلوسی ذکر را بگوید.

## نقد کلام محقق خوئی

اما کلام محقق خوئی که فرمودند: اگر متقوسا به حالت رکوع قیامی برود، این رکوع نیست؛ چرا ایشان می گویند: این رکوع نیست؟ این درست است که احداث رکوع نیست اما بقاءا که رکوع قیامی است و بعد ایشان فرمودند: اگر رکوع هم باشد، مبطل است؛ این هم درست نیست؛ چون اتصال مساوق با وحدت است و عرفا رکوع جلوسی را با همان حال، رکوع قیامی کند، رکوع جدید نیست و ادامه رکوع قبلی است.

1. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص667.](http://lib.eshia.ir/10028/1/667/للقیام) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص410.](http://lib.eshia.ir/11005/3/410/فلیقم) [↑](#footnote-ref-2)